

تدوین سناریوهای آینده ارزش‌های خانوادہ در ایران با استفاده از سناریو ویزارد

محسن نیازی^۱، اسماعیل مزروعی^۲، شیوا آقابزرگی‌زاده^۳

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/CSR.2021.22103.1828

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۸۹-۶۳

چکیده

خانواده، اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که ارزش‌ها را به نسل جدید انتقال می‌دهد. این ارزش‌ها نقش اساسی در رشد و نمو افراد دارد. امروزه با تغییراتی که در ساحت‌های مختلف جامعه پیش آمده، حوزه خانواده و ارزش‌های آن نیز تغییر کرده است؛ لذا پژوهش حاضر به دنبال آینده‌های بدیل برای خانواده است. در واقع هدف پژوهش حاضر آینده‌پژوهی و سناریونگاری آینده ارزش‌های خانواده در ایران با استفاده از روش تحلیل اثرات متقاطع و CIB است. نتایج تحقیق مربوط به سال ۱۳۹۸ و افق آینده، سال ۱۴۱۸ ه.ش. است. در مرحله اول به ۱۷ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی پرسش‌نامه داده شد. در مراحل دوم و سوم نیز پنل‌های ۱۰ نفره‌ای از خبرگان تشکیل شد. امتیازها در ماتریس متقاطع وارد شد تا تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر کدام از عوامل سنجیده شود. متغیرهای دو وجهی در نرم‌افزار میک مک به عنوان ورودی‌های نرم‌افزار سناریو ویزارد تجزیه و تحلیل شدند و ۴ سناریوی سازگار به دست آمد. مطلوب‌ترین سناریو سناریوی شماره ۱ است که بر وضعیت ایده‌آل و آرمانی خانواده و افزایش قدرت آن در پرتو آزادی و چارچوب قوانین جدید تأکید می‌کند. نامطلوب‌ترین سناریو، سناریوی شماره ۴ است که کاهش قدرت خانواده تا حد فروپاشی آن را به همراه دارد و این فروپاشی در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که با انواع محدودیت‌ها در حوزه‌های مختلف روبه‌روست.

کلیدواژگان: ارزش‌های خانواده، سناریونویسی، تأثیرگذاری، تأثیرپذیری.

۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

Email: shiva.bozorgy@gmail.com

۱. مقدمه

ارزش‌ها، از جمله نیازهای اساسی در هر نظام اجتماعی است که بر کنش‌های آدمی تأثیر می‌گذارد. در واقع نحوه بروز کنش افراد، ناشی از درونی شدن ارزش‌های جامعه طی دوره رشد فرد است و درونی شدن ارزش‌ها در هر نسل به پیدایی نسل ارزشی آن جامعه در مقطعی خاص می‌انجامد (علی‌اکبری و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین از آنجا که ارزش‌ها همواره از اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی بوده و با درونی شدن شأن رفتارهای آدمی را جهت می‌دهند، می‌توان از طریق کنترل و هدایت آن‌ها جامعه را به زوال و یا تعادل کشاند (خضرنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱). نهادهای متعددی در جامعه این وظیفه را بر عهده دارند که مهم‌ترین و اولین آن خانواده است که از ابتدای زندگی فرد به درونی کردن ارزش‌ها در وجود وی می‌پردازد.

خانواده، اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که ابتدا با توجه به نیازهای اساسی خود برای بقا، جوامع را تشکیل می‌دهد، سپس با توجه به نیازهای بالاتر برای رسیدن به یک زندگی رضایت‌بخش تلاش می‌کند (جفری^۱ و همکاران، ۲۰۱۹: ۱۰۵). خانواده خود را با روابط و ارزش‌های درونی‌اش می‌سازد. این روابط و ارزش‌ها، نقش اساسی در رشد و نمو بزرگسالان دارند (ریس^۲، ۲۰۱۸). در محیط خانواده، فرزندان ارزش‌ها را می‌آموزند و با کسب تجربه با دنیای بیرون از خانواده رابطه برقرار می‌کنند (دارابی و کلاشلو، ۱۳۹۵: ۳). ارزش‌ها زیربنا و الگوی رفتار و اعمال به شمار می‌آیند و نقش اساسی در کنش‌های انسانی دارند و تغییر در ارزش‌ها و اعتقادات بنیادین بر رفتار سیاسی، جنسی و مذهبی اثرگذار است (مدیری، ۱۳۹۷: ۱۴۹). ارزش‌ها بنیان خانواده را شکل می‌دهند و به آن هویت می‌بخشند؛ لذا خانواده، به عنوان یک نهاد ارزش‌محور تلقی می‌شود که فضای کافی برای انواع رفتارها و اعتقادات مذهبی را فراهم می‌کند تا بر تصمیم‌گیری‌های خانوادگی، شغلی و فردی تأثیر بگذارد. تأثیری که خانواده با توانایی خود در شکل‌گیری ارزش و حفظ آن دارد، باعث می‌شود این نهاد محرک تصمیم‌گیری و رفتار با محوریت ارزش باشد (استراچان^۳ و همکاران، ۲۰۲۰).

خانواده و اساساً خانواده ایرانی در سال‌های اخیر در معرض تغییر و تحولاتی قرار گرفته است. علت این تغییرات را باید در دگرگونی‌های کلی جوامع و بر اثر عواملی چون مدرنیته جستجو کرد. در واقع مدرنیته عناصر جدید فرهنگی از جمله ارزش‌های جدیدی را به همراه خود آورده که بنیان خانواده رو به سستی گراییده است. به عبارتی عدم ورود کامل جامعه ایران به دوره مدرن و از سوی دیگر پویایی آن و عدم توقف در دوره سنتی سبب شده با جامعه‌ای در حال گذار روبه‌رو باشیم که بنیان، ثبات و پایداری‌اش با چالش‌های جدی مواجه است. از طرف دیگر، این گذار یک گذار ناقص و ناهمگون

از سنت به مدرنیته است. نهاد خانواده درون این گذار ناقص با ورود ارزش‌هایی روبه‌روست که با گذشته‌اش سنخیتی ندارند (افشارکهن و رضائیان، ۱۳۹۷: ۲۹۶)؛ لذا درحالی‌که ارزش‌ها و نگرش‌های سنتی در میان بزرگسالان و نسل‌های پیشین رواج دارد، نسل‌های جدیدتر ارزش‌های متفاوتی دارند و با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای افرادی از نسل‌های گذشته، جهان‌بینی متداول در جوامع نیز دگرگون می‌شود (روستایی، ۱۳۹۰: ۲). آنچه نگرانی در مورد سستی بنیان ارزش‌ها و سپس خانواده را افزون می‌کند سرعت هرچه بیشتر این تغییرات است. در این زمینه اکثر جامعه‌شناسان حوزه تغییرات اجتماعی معتقدند که با قاطعیت می‌توان گفت که در هیچ مقطع تاریخی، ارزش‌ها و نگرش‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در درون جوامع به سرعتی که امروزه درحال تغییر است، دچار دگرگونی نبوده است (ورزی‌کنار و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶). این دگرگونی بنیادین خانواده و ارزش‌های آن بیش از هر چیز که به تبع صنعتی شدن و فرآیند مدرنیته اتفاق افتاده، فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است (مدیری و مهدوی، ۱۳۹۴: ۲۸۲). این مسأله به‌خصوص برای جوامعی که فرآیندهای مدرنیزاسیون و ازجمله نوسازی فرهنگی را به‌طور وارداتی و از بالا به پایین تجربه کرده‌اند، مشهودتر است؛ چراکه با سرعتی که تغییرات محیطی و ساختاری دارند، نظام‌های ارزشی سنتی و جدید فرصت پیدا می‌کنند در تقابل و تعارض با یکدیگر قرار گیرند (ورزی‌کنار و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶). در چنین شرایطی است که خانواده دچار مسائل متعددی چون کاهش قدرت، ضعف ساختار درونی، شکاف نسلی، تعارض نقش‌ها و... می‌شود و توان درونی کردن ارزش‌ها را از دست داده، چراکه تناقض ارزش‌ها و شکاف نسلی ازجمله مسائلی است که بنیانش را تهدید می‌کند؛ لذا آنچه که ما را به شناخت نظام ارزشی خانواده هدایت می‌کند می‌تواند بر جلوگیری از فروپاشی آن و درنهایت ایجاد خانواده پویا تأثیر بگذارد. در این راستا، اطلاع از مؤلفه‌ها و پیشران‌های تأثیرگذار در تغییرات ارزشی خانواده‌ها در یک جامعه و تصویرسازی آینده‌های محتمل با توجه به تغییرات پیشران‌های اصلی می‌تواند زمینه‌ساز راهبردپردازی و اتخاذ سیاست‌های مناسب برای هدایت خانواده‌ها و متعاقب آن جامعه به وضع مطلوب و جلوگیری از سقوط خانواده به ورطه‌های نامطلوب باشد (هاشمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۸).

با توجه به این‌که ایران امروز دچار مشکلاتی است که بستر آن تغییرات به‌وجودآمده و درحال گذار بودن این جامعه است، انجام این تحقیق به شناسایی آینده‌های بدیل خانواده در یک افق ۲۰ ساله کمک می‌کند. در ایران تنها تحقیقی که به سناریونویسی در حوزه خانواده پرداخته تحقیق «هاشمیان» و همکاران (۱۳۹۷) است. مطالعه حاضر برخلاف مطالعه هاشمیان به ارزش‌های خانواده و سناریونویسی در این حوزه می‌پردازد.

تحقیق اشاره شده به سناریونویسی ساختار و سبک زندگی در ایران پرداخته است. آنچه تحقیق حاضر را از سایر تحقیقات متفاوت می‌کند بدیع بودن به لحاظ موضوعی و روش شناختی است.

۲. مبانی نظری

«مانهایم» ارزش‌ها را فرآیندهای ساختگی نمی‌داند. به نظر او، هنگامی ارزش‌ها تولید می‌شوند که واقعیت اجتماعی در حال رشد، مسائل غیرقابل محاسبه و جدیدی را به جریان‌های فکری عرضه می‌کنند؛ درحالی‌که این جریان‌ها تدریجی و تکاملی باشند (علی‌اکبری و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۷). به نظر مانهایم هرچه سرعت تغییرات اجتماعی بیشتر باشد، بیشتر احتمال دارد که گروه‌های جوانانی که دارای فرهنگ مشترک هستند، ظاهر شوند (عظیمی‌هاشمی، ۱۳۹۴: ۱۸۱). از نظر مانهایم ارزش‌های نسل قبل به طور کامل از بین نمی‌روند، بلکه نسل جدید دست به بازتعریف ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم می‌زند (علی‌اکبری و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۷). به نظر مانهایم، تمام روابط اجتماعی، اشیاء، نشانه‌های فرهنگی، یعنی خانواده‌ها، ابزارها و نمادها در عمل و در جریان دخالت عملی در دنیا ساخته می‌شوند. زیست‌جهان روزانه دنیایی است که ما در آن درحال انجام‌گنش با دیگران هستیم و با آن‌ها ارتباط داریم (کنوبلاخ، ۱۳۹۰: ۲۲۱). «اینگلهارت» و نظریه‌پردازان رویکرد نوسازی، بنیان‌گسست ارزشی را پدیده‌ی نوسازی می‌دانند با این تفاوت که اینگلهارت احتمال پیش‌بینی دگرگونی‌ها را بسیار اندک در نظر می‌گیرد. وی در ابتدا، فرض اساسی نظریه‌ی نوسازی را موردنقد قرار داده و معتقد است تنها بعضی از نشانه‌های دگرگونی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به صورت جریان‌های منسجم و موازی ظاهر می‌شوند. وی نظریه‌ی خودش را طرح بازسازی شده نظریه‌ی نوسازی می‌داند؛ اینگلهارت برخلاف مانهایم به دگرگونی ارزشی آرامی اشاره دارد که از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد (آزادارمکی، ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹). نسل‌های جدید برای هر دو نظریه‌پرداز پیشگام تغییرات ارزشی محسوب می‌شوند.

اینگلهارت تفاوت‌های میان فرهنگی را به صورت جهت‌گیری‌های سنتی در برابر جهت‌گیری‌های دنیوی-عقلانی، نشان می‌دهد. جوامعی که در قطب سنتی جای می‌گیرند بر ارزش‌های خانوادگی سنتی اصرار می‌ورزند. در جوامعی که ارزش‌های دنیوی دارند عکس آن عمل می‌شود (اینگلهارت، ۲۰۱۷).

«بیورن برگ» بر تغییرات واقع شده در برخی از این ارزش‌ها در خانواده‌ی غربی اشاره کرده و از پدید آمدن یک الگوی نوظهور نام می‌برد. این الگو شامل کاهش نرخ مولید،

تأخیر در ازدواج، بالا رفتن سن والدین به هنگام تولد اولین فرزند، وجود فرزندان کمتر در هر واحد خانوادگی، رشد میزان طلاق، خانواده تک‌والدی و هم‌بالینی، افزایش تعداد موالید خارج از چارچوب ازدواج و میزان کار دستمزدی زنان است (هاشمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳). اینگلههارت عوامل مؤثر بر این تغییرات را توسعه اقتصادی و گسترش رسانه‌های جمعی می‌داند. وی این عوامل را عوامل اصلی تغییر ارزش‌ها در میان افراد و گروه‌ها می‌داند (سرایبی و اوچاقلو، ۱۳۹۲: ۲۵).

«رابرت مرتون» جامعه را نظامی در نظر می‌گیرد که شامل مجموعه‌ای از عناصر ساختاری مانند فرهنگ و ساختارهای اجتماعی است که در تعامل و هماهنگی با یکدیگر و با ایفای کارکردهای مربوط به خود، امکان تطابق نظام اجتماعی و سازگاری افراد با محیط خویش را فراهم می‌سازند (علی‌اکبری و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۶). «مرتون» نیز هم‌چون اینگلههارت بر الگویی کلان‌محور در تغییر ارزش‌ها تأکید دارد. در نظام مرتون، شکاف بین ابزار مشروع و اهداف فرهنگی موجب چهار نوع کج‌روی می‌شود (رابینگتن و واینبرگ، ۱۳۸۹: ۱۰۱). در چنین دیدگاهی، الگوی رفتاری افراد، از جمله شیوه سازگاری با محیط، از شرایط و فرصت‌هایی تبعیت می‌کند که جامعه برای آنان فراهم می‌کند (علی‌اکبری و صبوری خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۶). برخلاف نظر رابرت مرتون که شرایط ساختاری را در عملکرد افراد تأثیرگذار می‌داند: «آکسس اینکلس»^۶ مدرن شدن را پدیده‌ای فردی به‌عنوان مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها می‌داند. تئوری اینکلس، نمونه موفق‌تری از فردگرایی را در خانواده ارائه می‌دهد؛ مرد مدرن تنها می‌ماند، آگاه، مستقل از اجبارات و الزامات فAMILI و قید و بندهای سنتی است. این فردگرایی که می‌تواند به‌عنوان کنترل بیشتر افراد بر سرنوشت خود تلقی شود، فرآیند تصمیم‌گیری و عملی شدن آن را در مقایسه با زمانی که توسط خانواده انجام می‌شد، متحول کند؛ از این‌رو شروع نوسازی با تأخیر در تحقق تصمیمات فردی هماهنگ است. ازدواج‌های با انتخاب آزاد معمولاً با سنین ازدواج بالاتر همبسته‌اند (ورزی‌کناری و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۰). «گیدنز» نیز از نظریه‌پردازانی است که در عین حال که تأثیر ساختارها و شرایط موجود در جامعه را نفی نمی‌کند، از روابطی سخن می‌گوید که فردگرایی موجود در شخص موجبات آن را فراهم می‌کند.

به عقیده گیدنز جامعه مدرن، دگرگونی‌هایی را در وضعیت خانواده به‌وجود آورده است؛ به طوری که برخلاف پیوندهای جامعه سنتی که عمدتاً بر پایه عوامل بیرونی و به‌ویژه اقتصادی شکل می‌گرفته است، در جوامع مدرن نوعی از رابطه پدید آمده که وابسته به عوامل خارج از زندگی شخصی و عاطفی نیست و گیدنز آن را به‌عنوان «رابطه ناب» نام می‌برد. در واقع با ظهور عشق و علاقه‌های رمانتیک به‌عنوان انگیزه ازدواج، این

ساختارها در حال شکسته شدن است. بدین ترتیب ازدواج بیش از پیش به صورت رابطه ای درآمده است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاصی است که از هم‌زیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود. دیگر فرزندآوری سود اقتصادی ندارد و در واقع قضیه عکس شده است. نقش زن و مرد هم دیگر مثل گذشته ثابت و مشخص نیست و زنان می‌توانند نقش‌های متعددی داشته باشند. اکنون شناخت افراد از هویتشان، به صورت پروژه‌ای بازانديشانه درآمده است. گیدنز این تغییر را در مقابل داشتن هویتی از پیش تعریف شده هم چون گذشته، بیشتر پدیده‌ای رهایی‌بخش و نوعی آزادی برای پیدا کردن و کشف خود می‌داند (موسوی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۷).

در مجموع از نظر ما نهیم ارزش‌های نسل قبل به طور کامل از بین نمی‌رود، بلکه نسل جدید دست به بازتعریف ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم می‌زند. آنچه «بیورن برگ» به آن اشاره می‌کند الگو یا نمونه‌ای از تغییرات پیش‌آمده بر اثر تغییراتی چون مدرنیزاسیون است که هرچه بیشتر شامل تغییر ارزش‌ها در بُعد جمعیت‌شناختی است. این‌گلهارت و نظریه‌پردازان رویکرد نوسازی بر مدرنیزاسیون به عنوان عامل اصلی این تغییرات اشاره می‌کنند. رابرت مرتون نیز هم چون این گروه از نظریه‌پردازان نگاهی ساختاری دارد؛ وی به کلیت نظام فرهنگی به عنوان متغیری تأثیرگذار در تطابق فرد با محیط اشاره می‌کند. اینکلس نیز از تغییراتی چون مدرن شدن یاد می‌کند که منجر به دگرگونی ارزش‌ها و طرزتلقی‌ها می‌شود. گیدنز نیز هم چون اینکلس به تغییراتی اشاره می‌کند که مدرنیزاسیون به وجود آورده و تغییر شکل و سازگاری را موجب شده است. آنچه که میان نظریه‌پردازان ذکر شده، مشترک است؛ شناخت نوسازی به عنوان عاملی اساسی در تغییرات پیش‌آمده در ارزش‌هاست.

۳. پیشینه تجربی

«هاگز»^۷ و همکاران (۲۰۱۹) تأثیر کنترل خانواده بر ارزش و ریسک‌پذیری در مکزیک را بررسی کرده و بر این باورند که بنگاه‌های خانوادگی از ارزش‌های بالاتری برخوردار هستند و ریسک بالاتری را تحمل می‌کنند. ما آزمایش می‌کنیم که آیا ترجیح ریسک‌پذیری در بنگاه‌های خانوادگی ترکیبی از دو نوع ریسک است. بنگاه‌ها در انتظار بهبود عملکرد آینده هستند؛ به نظر می‌رسد شرکت‌های خانوادگی به طور مستقل از مالکیت گردش وجه خود، خطرات بیشتری برای عملکرد دارند و از این رو، از خانواده برای حمایت از منابع وراث بهره‌برداری می‌کنند.

«کاتلین» و «تیموسی» (۲۰۱۹) در مطالعه خود به تعاریف خانواده در اجتماعات می‌پردازند. این مطالعه از داده‌های حاصل از مطالعه ۱۰۵ نفر از افراد هم‌جنس‌گرا،

دوجنس‌گرا و تراجنسیتی استفاده شده است و پرسش اصلی چنین بود: تعریف آن‌ها از خانواده چیست و آیا خانواده‌های دیگر را خانواده فعلی خود می‌دانند. تحقیقات اولیه این محققین اهمیت دوستان به‌عنوان خانواده را در میان این افراد مشخص کرده است، اما با افزایش تأکید بر ازدواج هم‌جنس‌گرایان ممکن است افراد دگرباش جنسی به سمت تعاریف سنتی‌تر خانواده حرکت کنند.

«پژاو»^۸ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه خود به بررسی مکانیسمی پرداخته‌اند که تعارض کار در خانواده و پیامدهای فردی آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شد و ۲۲۵ مورد با مدل‌های رگرسیون سلسله‌مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که در مقایسه با مدیران زن، رابطه منفی بین تعارض کار در خانواده و موفقیت خانواده وجود دارد. برای مدیران مرد با جهت‌گیری نقش جنسیتی برابری نسبت به افرادی که دارای گرایش جنسی سنتی هستند، قوی‌تر است. علاوه بر این در میان مدیران مرد با گرایش نقش جنسیتی، بین تعارض کار در خانواده و پیشرفت کار درک شده رابطه مثبت وجود دارد.

«گرین هاوز» و «پاراسورامان» (۱۹۹۹) در فصلی از کتاب خود تحت عنوان «تحقیق در مورد کار، خانواده و جنسیت: وضعیت فعلی و مسیرهای آینده» الگوهای پیوند بین کار افراد و زندگی خانوادگی را بررسی می‌کنند. آنان روی نظریه‌های اخیر تمرکز کرده و با رویکردی یکپارچه تضاد بین کار و خانواده را بررسی می‌کنند، سپس به مرور پیوندهای کار با خانواده می‌پردازند و با تمرکز بر نقش جنسی در شکل‌گیری ارتباطات، زمینه‌هایی را برای تحقیقات آینده مشخص می‌کنند.

«هاشمی نژاد» و همکاران (۱۳۹۷) پژوهش خود تحت عنوان «سناریوهای آینده خانواده در ایران» را با استفاده از رویکرد چرماک و الگوی لایه‌ای توسعه راهبرد مبتنی بر سناریوسازی انجام داده‌اند. سناریوهای به‌دست‌آمده عبارتند از: «مُلک سلیمان»، «طلا و مس»، «آن دختر» و «گرگ وال استریت» که عناوین سناریوها هستند. بر این اساس مختصات خانواده در هر یک بحث و بررسی شده است.

«عسگری» و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان «آینده‌پژوهی سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی به روش مدل‌سازی» به ذکر مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده‌پژوهی سرمایه فرهنگی خانواده از منظر خبرگان پرداخته‌اند. این مؤلفه‌ها عبارتند از: تعاملات اجتماعی، اشتغال، دموکراتیک بودن، امکانات فرهنگی، مصرف فرهنگی و طبقه اجتماعی، آموزش، دانش سلامت، شناخت و نگه‌داری میراث فرهنگی و مشارکت فرهنگی و نهایتاً گردشگری، مدارک تحصیلی و حرفه‌ای و دسترسی به اطلاعات و شبکه جهانی. موارد ذکر شده در آینده‌سازی سرمایه فرهنگی خانواده نقش دارند.

تحقیقات ذکر شده به ارزش‌های خانواده و کارکرد و تأثیر آن پرداخته و خانواده را در میان خُرده‌فرهنگ‌های متعدد بررسی کرده‌اند. بر این اساس معنا و تفسیر گروه‌های مختلف را از خانواده مطرح کرده‌اند. یکی از نکات مورد توجه در پیشینه خارجی نقش جنسیتی افراد در خانواده و عضویت در خُرده فرهنگ‌هایی است که اساس شکل‌گیری آن‌ها جنسیت افراد است. افق آینده را نیز برای این امر بررسی کرده‌اند. در میان انبوه مطالعاتی که در حوزه خانواده و ارزش‌های آن در ایران صورت گرفته تحقیق حاضر مطالعاتی را انتخاب کرده که با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شده‌اند. از دو مطالعه انتخاب شده یکی از آن‌ها به سناریونویسی در مورد آینده خانواده در ایران پرداخته است و دیگری مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده خانواده را بر اساس نظر خبرگان بررسی کرده است. نقاط اشتراک پژوهش حاضر با پژوهش‌های هاشمی‌نژاد و عسگری، رویکرد آن‌هاست که آینده‌پژوهی است؛ به عبارتی هر سه مطالعه به آینده‌های محتمل در مورد خانواده اشاره کرده‌اند، اما پژوهش حاضر به لحاظ موضوعی بدیع است، چراکه به دنبال شناخت ارزش‌های خانواده و تغییرات آن در افقی ۲۰ ساله است.

۴. قلمرو پژوهش

تحقیق حاضر به دنبال تدوین سناریوهای آینده ارزش‌های خانواده در ایران است که به کمک روش آینده‌پژوهی انجام شده است. در این راستا، ارزش‌های خانواده و عوامل کلیدی شناسایی و سناریوهای ارزش‌های خانواده تدوین شده‌اند. شهرکاشان دارای افرادی با روحیه جمع‌گرا و جوان است. به عبارتی خانواده با وجود حضور مظاهر مدرنیته در شهر هنوز به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد جامعه شناخته می‌شود که تأثیر گسترده‌ای بر جوانان دارد. از طرفی شهرکاشان به لحاظ جغرافیایی و تاریخی دارای موقعیتی است که به جذب افراد از شهرهای دیگر چه به‌عنوان مسافر و چه به‌عنوان مهاجر کمک می‌کند. این امر سبب فراهم آمدن شرایط ویژه برای ماهیت خانواده و ارزش‌های حاکم بر آن می‌شود. تحقیق حاضر محدوده جغرافیایی خود را بر کاشان متمرکز نموده است. داده‌های به دست آمده حاصل سال ۱۳۹۸ با افقی ۲۰ ساله در سال ۱۴۱۸ است.

۵. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق در تمامی مراحل خبرگان (اساتید، متخصصان و کارشناسان) مرتبط با موضوع می‌باشند. ابتدا برای تدوین ادبیات تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای

(اینترنت، مقالات، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، طرح‌ها و...) استفاده شد. گام‌های بعدی تحقیق به شرح زیر است.

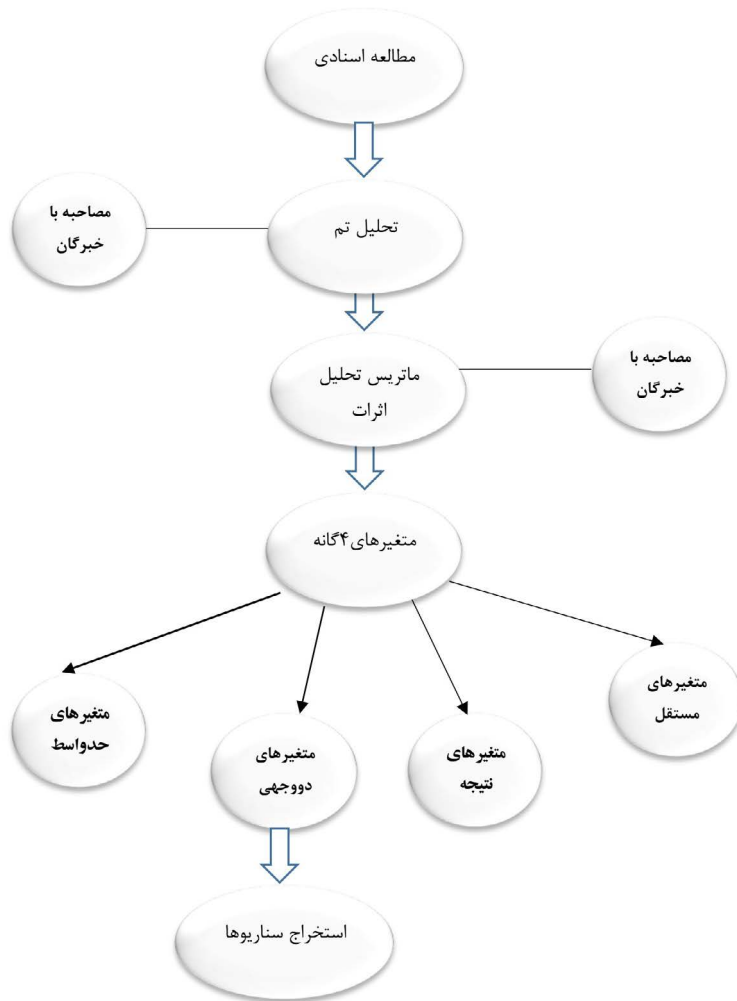
در مرحله اول به منظور شناسایی پیشران‌ها مصاحبه‌های عمیق با خبرگان صورت گرفته است که مبنای طراحی پروتکل مصاحبه استفاده از مرور ادبیات، تکنیک پستل و فن پرسشی 5wh1 است. در واقع مفاهیم و مقولاتی که از ادبیات تحقیق و تکنیک پستل و فن پرسشی 5wh1 به دست آمده به عنوان پیشران‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که تحلیل تم بر روی آن‌ها صورت گرفته است. در این مرحله شیوه نمونه‌گیری، قضاوتی و هدفمند است و نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافته است. به منظور تحلیل مصاحبه‌ها از تحلیل تم استفاده شده است. برای بررسی قابلیت اعتماد و تأییدپذیری و انتقال داده‌ها از روش‌های پیش‌رو استفاده شده است: مستندسازی مصاحبه‌ها، بازگشت مصاحبه‌های کدگذاری شده به افراد مصاحبه‌شونده به منظور تأیید آن‌ها، استفاده از کدگذار ثانویه به منظور بررسی میزان انطباق کدها و مشابهت کدها، جمع‌آوری داده‌ها از منابع چندگانه. به طور کلی اصلی‌ترین روشی که برای بررسی روایی در این تحقیق به کار گرفته شده مصاحبه و بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه علوم اجتماعی و سپس اعمال اصلاحات این خبرگان و تأیید نهایی آن‌هاست. به طوری که نمونه اولیه برای خبرگان ارسال شد و در نهایت مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت. در واقع مؤلفه‌ها و شاخص‌ها توسط خبرگان ارزیابی گردید و مصاحبه دارای اعتبار محتوا شد.

در فاز دوم تحقیق بعد از شناسایی پیشران‌ها پنل ۱۰ نفره‌ای از خبرگان تشکیل گردید که در آن پنل خبرگان به ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از پیشران‌ها بر یکدیگر پرداختند. پیشران‌هایی که در مرحله قبل شناسایی شده بود در ماتریسی مانند -ماتریس تحلیل اثرات- وارد شد و میزان ارتباطشان توسط خبرگان تشخیص داده شد. در این مرحله، خبرگان از نمره ۰ تا ۳ که نشانگر بدون تأثیر تا تأثیر بسیار قوی می‌باشد روابطی مابین متغیرها را تعیین کردند. نشان دهنده بدون تأثیر، عدد ۱ به منزله تأثیر ضعیف، عدد ۲ به منزله تأثیر متوسط و عدد ۳ به منزله تأثیر زیاد است؛ بنابراین اگر تعداد متغیرهای شناسایی شده n باشد یک ماتریس $n \times n$ به دست آمده که در آن تأثیرات متغیرها بر یکدیگر مشخص شده است. در این مرحله، شدت تأثیر ارزیابی گردیده است اما جهت تأثیر مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. در نرم‌افزار میک مک متغیرهای موجود در سطرها بر متغیرهای موجود در ستون‌ها تأثیر می‌گذارند. در واقع مجموع متغیرهایی که در سطرها قرار دارند میزان تأثیرگذاری را نشان می‌دهند و مجموع متغیرهایی که داده‌های متغیرهای ستون‌ها هستند میزان تأثیرپذیری را نشان می‌دهند. در واقع نرم‌افزار

میک مک پس از پاسخ‌گویی خبرگان به تحلیل پاسخ آنان می‌پردازد. مبنای تحلیل براساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری هر یک از متغیرهاست. میزان تأثیرگذاری هر متغیر براساس تعداد یک‌هایی است که در سطر آن متغیر قرار گرفته و میزان تأثیرپذیری هر متغیر براساس تعداد یک‌هایی است که در ستون آن متغیر قرار گرفته است. سپس با توجه به وجود یک‌هایی که در سطر و ستون هر متغیر قرار دارند، متغیرها به چهار دسته متغیرهای مستقل کلیدی، وابسته، خودمختار و دوجبهی تقسیم می‌شوند. متغیرهای دوجبهی متغیرهایی هستند که دارای بیشترین میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری هستند و به‌عنوان متغیرهایی که خروجی این مرحله هستند، شناخته می‌شوند و در این تحقیق برای تحلیل سناریو از آن‌ها استفاده شده است؛ چراکه آن‌ها بیشترین تأثیرپذیری و بیشترین تأثیرگذاری را دارند.

در رابطه با نمره‌هایی که برای ورود به نرم‌افزار میک مک داده شده نیز جلسات مدیریت تعاملی شکل گرفته، به طوری که از نظرات افراد برخوردار شده، سپس مجموع نظرات اعلام شده و در مورد وجود یا عدم وجود رابطه تصمیم‌گیری شده و از نظرات تکمیلی خبرگان بهره‌گیری گردیده و بدین ترتیب روایی و پایایی تضمین شده است. در مرحله سوم، متغیرهای دوجبهی به‌عنوان ورودی‌های نرم‌افزار سناریوویزارد مطرح می‌شوند. نرم‌افزار سناریوویزارد بر مبنای ماتریس‌های اثر متقاطع کار می‌کند. این ماتریس‌ها برای استخراج نظر خبرگان در مورد اثر احتمال وقوع یک حالت از یک حالت توصیف‌گر بر روی حالتی از توصیف‌گر دیگر در قالب عبارت‌های کلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد و در نهایت با محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم حالت‌ها بر یکدیگر، سناریوهای سازگار پیش‌روی سیستم مورد مطالعه، استخراج می‌شوند. در این مرحله مجدد پنل خبرگان تشکیل شده است. برای هر یک از متغیرها حالات ممکن آن شناسایی و پس از آن تأثیر حالات هر متغیر بر حالات سایر متغیرها توسط خبرگان ارزیابی شده است. در این مرحله، خبرگان از نمره ۳- تا ۳+ براساس شدت و جهت تأثیرگذاری حالات متغیرها بر یکدیگر نمره تخصیص داده‌اند. بعد از جمع‌بندی حالات، نظر تکمیلی خبرگان جهت به‌دست آوردن روایی و پایایی گرفته شده است. خروجی این مرحله، شناسایی سناریوهای سازگاری است که براساس آن می‌توان آینده را توصیف کرد. نرم‌افزار سناریوویزارد بر مبنای محاسبه اعداد موجود در سطر و ستون هر متغیر به بررسی تعداد سناریوهای سازگار می‌پردازد. مجموع تعداد سناریوهای ممکن از ضرب تعداد حالات در یکدیگر به دست می‌آید که از این تعداد سناریوها بعضی‌ها سناریوهای ناسازگار هستند. ناسازگار، بدین معنی که این سناریوها امکان تحقق ندارند؛ به این علت که در حالتی که مثلاً وقتی یک متغیر بالاست، خبرگان نظر داده‌اند متغیر دیگر

باید پایین باشد، اما اگر یکی از سناریوها هر دو متغیر را هم‌زمان بالا در نظر گرفته باشد این سناریو از نظر نرم‌افزار یک سناریوی ناسازگار شناسایی می‌شود و حذف می‌شود. سناریوها براساس میزان سازگاری شان نمره‌ای از نرم‌افزار دریافت می‌کنند که معیاری برای پایایی سناریوهاست؛ از سوی دیگر، از آنجا که پرسش‌نامه‌ها در این مرحله خروجی یک پژوهش کیفی هستند، دارای روایی است و نرخ سازگاری در سناریوویزارد هم هرچه بیشتر باشد پایایی سناریوها بیشتر می‌شود.



نمودار ۱. مراحل انجام تحقیق (نگارندگان، ۱۳۹۸).

۶. یافته‌های پژوهش

- آمار توصیفی

در مرحله اول با ۱۷ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی مصاحبه شد که نزدیک به ۳۶٪ آن‌ها زن و ۶۷٪ مرد بودند. ۳۶٪ دانشجوی دکتری، ۴۳/۷٪ دارای دکتری تخصصی، ۱۲/۵٪ دانشجوی کارشناسی ارشد و تنها نزدیک به ۰/۶٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. ۳۶٪ از خبرگان سابقه کاری شان کمتر از ۵ سال بود و نزدیک به ۵۶٪ از آن‌ها سابقه کاری شان بیش از ۵ سال بود و تنها ۰/۶٪ از افراد دارای سابقه کمتر از یک سال بودند.

در مرحله دوم پنلی ۱۰ نفره از خبرگان حوزه علوم اجتماعی تشکیل شد که ۴۳٪ از آن‌ها زن و ۵۷٪ مرد بودند. ۶۳٪ آن‌ها دانشجوی دکتری، ۱۰٪ دارای مدرک دکتری تخصصی و مابقی دانشجویان کارشناسی ارشد بودند. ۶۷٪ آن‌ها شاغل بوده و ۳۳٪ شان فاقد شغل به صورت تمام وقت بودند.

در مرحله سوم نیز پنلی ۱۰ نفره از خبرگان حوزه علوم اجتماعی تشکیل شد. ۴۸٪ آن‌ها زن و ۵۲٪ شان مرد بودند. ۶۴٪ دانشجوی دکتری، ۲۰٪ دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۶٪ شان دارای مدرک دکتری تخصصی و عضو هیئت علمی دانشگاه بودند.

۷. گام اول پژوهش

در تحقیق حاضر مصاحبه عمیق صورت گرفت و پس از آن یافته‌ها با استفاده از روش تحلیل تم مورد بررسی قرار گرفتند. جدول ۱، تحلیل تم (مفاهیم و مقولات) صورت گرفته بر روی مصاحبه‌های عمیق با ۱۷ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی را نشان می‌دهد.

درگام دوم تحقیق و پس از استخراج پیشران‌های حاصل از نتایج پرسشنامه سنجش اهمیت و عدم قطعیت عوامل کلیدی، از طریق پرسش‌نامه ماتریس تحلیل اثرات متقاطع، اثرگذاری و اثرپذیری هرکدام از این عوامل بر یکدیگر بررسی شد. در روش تحلیل ساختاری، تأثیر هر روند (مؤلفه) بر مؤلفه‌های دیگر درجه بندی می‌شود. برای این منظور از ماتریس مؤلفه‌های کلیدی شناسایی شده، استفاده شد تا وضعیت هر یک از آن‌ها (از حیث تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و روابط متقابل) در سیستم مشخص شود. براین اساس نرم افزار میک مک (برای تحلیل روابط ساختاری میان مؤلفه‌های کلیدی) پیاده‌سازی شد و متغیرها و شاخص‌های استخراج شده با بهره‌گیری از روش تحلیل تأثیرات متقابل در محیط میک مک بررسی و تحلیل گردید (رضائیان قیه‌باشی و مرزبان، ۱۳۹۸: ۵۳۹).

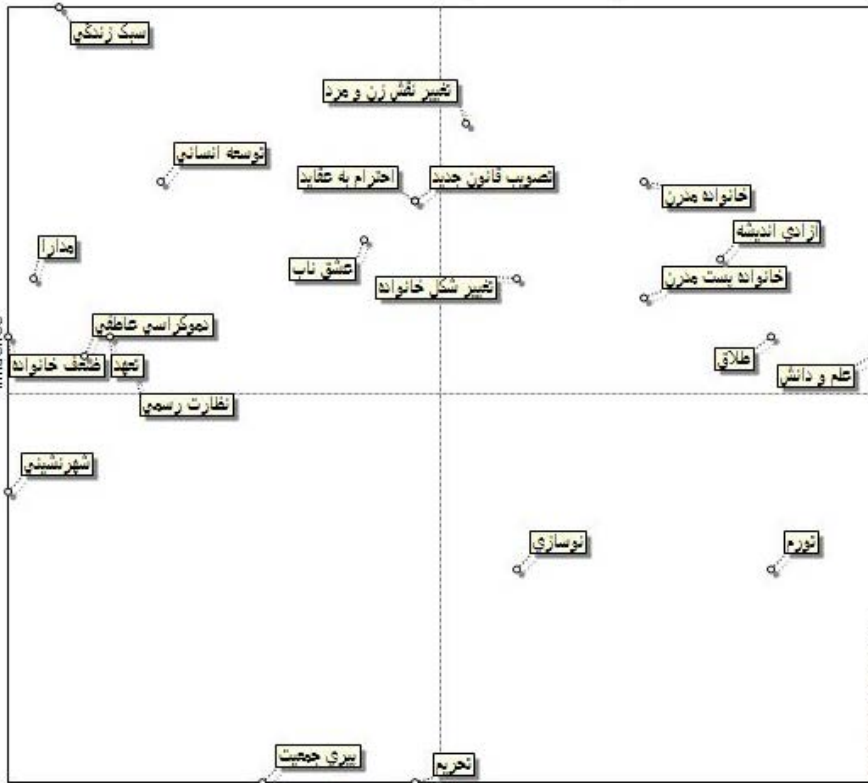
قسمت جنوب غربی، متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که این متغیرها، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی دارند. متغیرهای مستقل را می‌توان به دو دسته متغیرهای مستقل

جدول ۱. تحلیل تم مصاحبه با خبرگان (نگارندگان، ۱۳۹۸).

ردیف	دورنمایه (تم اصلی)	طبقات (تم فرعی)
۱	تغییر شکل خانواده	جابه‌جایی نقش‌های زن و مرد
		تغییر نقش نان‌آوری پدر
		اشتغال زنان و تغییر نقش خانه‌داری مادر
		کوچک شدن خانواده
		به رسمیت شناختن انواع جدید رابطه
۲	دگرگونی نسل‌ها	آزادی مذهب و اندیشه
		ازدواج غیرسنتی
		از بین رفتن مفاهیم عشق و وفاداری
		کمرنگ شدن نقش خانواده
		نهادهای جدید جامعه‌پذیری
۳	دگرگونی میزان رفاه	گذار از سنت به مدرن
		متفاوت بودن ارزش‌ها
		کاهش رفاه
۴	دگرگونی آمار و ارقام	خانواده گسیخته و درماندگی ناشی از فشار اقتصادی
		ناپاداری وضع معیشتی
۵	نوع خانواده	کاهش نرخ ازدواج
		افزایش میزان طلاق
۶	عامل تغییر	مدرن با لغزش به سمت پست مدرن
		عامل ساختاری
		عوامل اقتصادی
		تحریم‌های ایالات متحده
		عامل فردی
۷	تغییر قوانین	اراده معطوف به دانش
		آگاهی و قدرت
۸	آمال و آرزوها	کم‌رنگی کاربست اهرم‌های فشار
		ایجاد قوانین جدید
		عشق ناب
		ازدواج بالای ۳۰ سال
		خانواده به‌عنوان نعمت

دوستی بلندمدت زوجین		
ازدواج به مثابه وسیله خوشبختی نه هدف		
تغییرات سریع‌تر	سیر تطور خانواده	۹
سبک زندگی متفاوت		
خانه به مثابه خوابگاه		
سستی بنیان اعتماد		
تکنولوژی	زمان حال	۱۰
تأخر فرهنگی		
روند سخت بقا		
فقدان مدارا		
خانواده ناپایدار	سرنوشت خانواده	۱۱
سبک جدید خانواده		
فردگرا		
بی‌هویت		
ناهمسان همسری		
جریان یافتن قدرت در خانواده (هرم افقی قدرت)		

از سیستم و متغیرهای مستقل نتیجه سیستم تقسیم کرد که متغیرهای نظارت رسمی، شهرنشینی و پیری جمعیت در این قسمت قرار گرفته‌اند. متغیرهای تنظیمی در نزدیکی مرکز شکل قرار گرفته‌اند که حالت تنظیمی دارند و گاهی به‌عنوان اهرم ثانویه عمل می‌کنند. براساس سیاست‌هایی که برنامه‌ریزان برای اهداف خود به‌کار می‌گیرند، این متغیرها قابلیت ارتقاء به متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای تعیین‌کننده یا متغیرهای هدف و ریسک را دارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۷). متغیرهای شمال‌غربی متغیرهای تأثیرگذار و کمتر تأثیرپذیر هستند؛ بنابراین سیستم بیشتر به این متغیرها وابسته است. این قسمت شامل بحرانی‌ترین مؤلفه‌هاست، چراکه تغییرات سیستم وابسته به این متغیرهاست و این متغیرها متغیرهای ورودی سیستم هستند و اغلب متغیرهای محیطی یا بافتی را که به‌شدت بر سیستم تأثیر می‌گذارد در میان آن‌ها می‌توان یافت که البته قابل کنترل نیستند. در قسمت شمال شرقی متغیرهای دوجوهی قرار دارند که با عدم پایداری آمیخته‌اند، چراکه هر عمل و هر تغییری روی آن‌ها واکنش و تغییری بر دیگر متغیرها به‌دنبال دارد. در قسمت جنوب شرقی متغیرهایی با تأثیرگذاری پایین و تأثیرپذیری بسیار بالا که خروجی سیستم هستند، قرار دارند؛ و در جنوب غربی متغیرهایی قرار دارند که گویا ارتباطی با سیستم ندارند، نه باعث توقف مسیر اصلی و

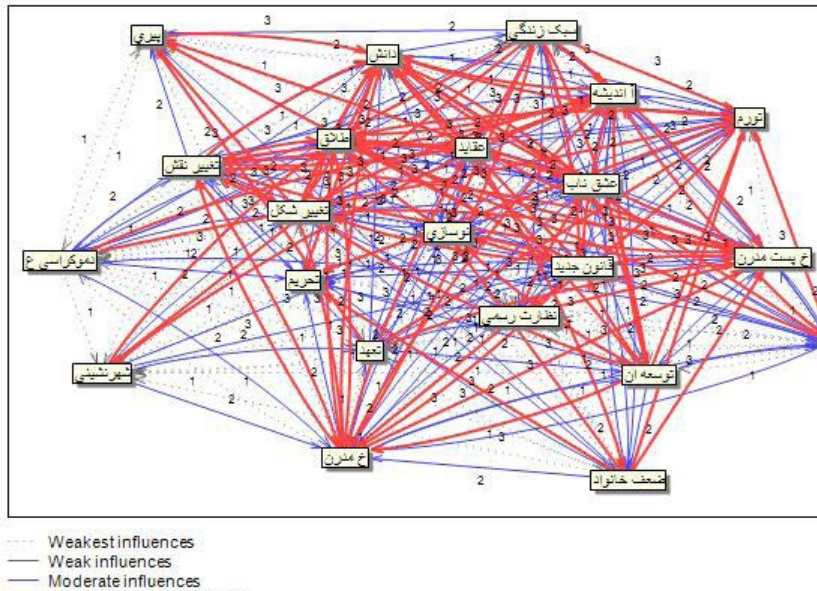


نمودار ۲. متغیرهای خروجی نرم‌افزار میک‌مک (نگارندگان، ۱۳۹۸).

نه باعث تکامل آن در سیستم می‌شوند. در ادامه روابط میان متغیرها (مبتنی بر تحلیل آرای خبرگی و پرسش‌نامه ماتریس تحلیل آثار متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک) در نقشه تأثیرگذاری/ تأثیرپذیری مستقیم میان مؤلفه‌های کلیدی به شرح شکل ۱، به نمایش درآمده است.

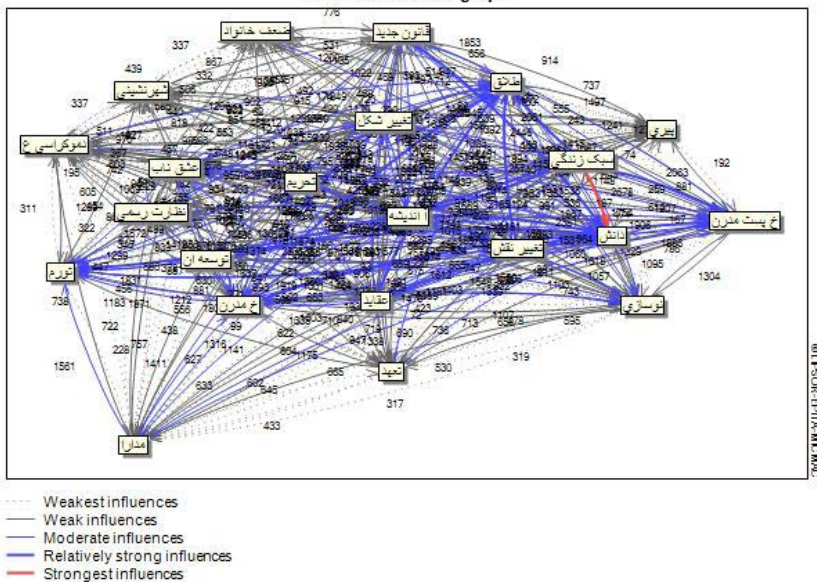
شکل‌های شماره ۱ و ۲، محل قرار گرفتن متغیرها در خروجی نرم‌افزار میک‌مک براساس تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متغیرها را نشان می‌دهد و نرم‌افزار میک‌مک در شکل ۱، تمامی تأثیرات مستقیمی را نشان می‌دهد که خبرگان به آن اشاره کرده‌اند و در شکل ۲، تمامی تأثیرات غیرمستقیمی را نشان می‌دهد که خبرگان به آن اشاره کرده‌اند. در شکل شماره ۳ و ۴ نرم‌افزار میک‌مک ۲۵٪ روابط مهم‌تر را نشان می‌دهد. شکل شماره ۳، تأثیرات مستقیم و شکل شماره ۴، تأثیرات غیرمستقیم را نشان می‌دهد. ماتریس نهایی برگرفته از پژوهش، شامل چهار ناحیه مهم و اساسی است که موارد پیش‌رو را شامل می‌شود.

Direct influence graph



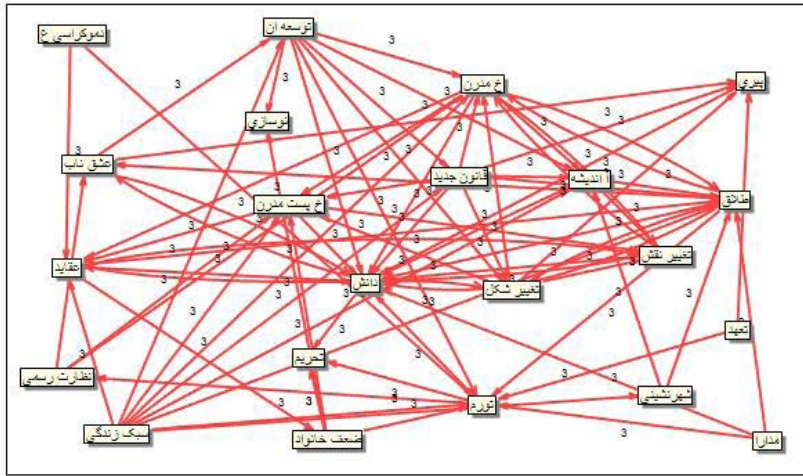
شکل ۱. تأثیرات مستقیم متغیرها با پوشش ۱۰۰٪ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

Indirect influence graph



شکل ۲. تأثیرات غیرمستقیم متغیرها با پوشش ۱۰۰٪ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

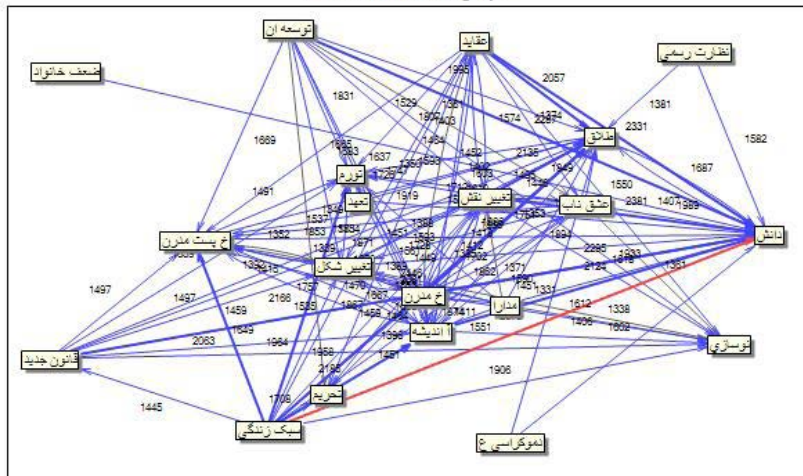
Direct influence graph



- Weakest influences
- Weak influences
- Moderate influences
- Relatively strong influences
- Strongest influences

شکل ۳. تأثیرات مستقیم متغیرها با پوشش ۲۵٪ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

Indirect influence graph



- Weakest influences
- Weak influences
- Moderate influences
- Relatively strong influences
- Strongest influences

شکل ۴. تأثیرات غیرمستقیم متغیرها با پوشش ۲۵٪ (نگارندگان، ۱۳۹۸).

- ۱- **پیشران‌های شگفت‌انگیز:** این پیشران‌ها مهم‌ترین و تأثیرگذارترین شاخص‌ها در حوزه ارزش‌های خانواده ایرانی هستند و آینده خانواده ایرانی به این پیشران و چگونگی آن‌ها وابسته است. این پیشران‌ها عبارتند از: خانواده مدرن، خانواده پست‌مدرن، طلاق، علم و دانش، آزادی اندیشه، تصویب قانون جدید.
- ۲- **متغیرهای حد واسط (تعیین‌کننده):** این شاخص‌ها نقش تأثیرگذاری در روابط بین پیشران‌ها و دیگر شاخص‌ها ایجاد می‌کنند. این شاخص‌ها عبارتند از: سبک زندگی، مدارا، احترام به عقاید، دموکراسی عاطفی، عشق ناب، توسعه انسانی، تعهد، تغییر نقش زن و مرد و ضعف خانواده.
- ۳- **متغیرهای نتیجه:** این متغیرها بیشتر تأثیرپذیر و کمتر تأثیرگذار هستند. از روابط بین پیشران‌های کلیدی و شاخص‌ها تأثیر می‌پذیرند که عبارتند از: تورم، نوسازی و تجربه.
- ۴- **متغیرهای هدایت‌کننده (مستقل):** این متغیرها نقش مهمی در آینده خانواده ایرانی ندارند، اما نباید به کلی آن‌ها را از یاد برد. این متغیرها عبارتند از: پیری جمعیت، نظارت رسمی، و شهرنشینی.

۸. شناسایی سناریوهای مطلوب با روش CIB

پس از تکمیل ساختار تحلیل اثرات متقاطع توسط نرم‌افزار میک‌مک و شناسایی پیشران‌های شگفت‌انگیز، فرض‌های سناریو باید پیکربندی خوبی از نقش دوگانه هرکدام از توصیف‌گرها جهت اثرگذاری روی هدف ارائه دهند. برای تدوین سناریوهای محتمل از میان ۷ پیشران کلیدی که از طریق الگوریتم متقاطع شناسایی شده بودند، توصیف‌گرهای کلیدی با استفاده از قواعد کدگذاری در روش CIB ماتریس بندی شده و در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان قرار گرفتند؛ به عبارتی درگام سوم تحقیق پس از شناسایی متغیرهای دوجوهی در تحلیل میک‌مک از خبرگان خواسته شد تا حالات هریک از متغیرها را مشخص کنند.

۴ سناریو به عنوان سناریوهای ارزش‌های ۲۰ ساله خانواده در ایران مطرح شدند که سناریوی سازگار اول افزایش قدرت خانواده، خانواده هسته‌ای، طلاق عقلانی، کاربردی شدن علم، آزادی بیشتر در حوزه اندیشه و بیان و به‌کارگیری قوانین جدید و حرکت به سمت وضعیت ایده‌آل خانواده را دربر می‌گیرد. به عبارتی در سناریوی اول وضعیتی به تصویر کشیده می‌شود که در آن مردم در جامعه آزادی بیشتری را تجربه می‌کنند و روابط اجتماعی، سازمان‌ها، گروه‌ها، نهادها و طبقات وجودشان و روابط میان‌شان سبب شکل‌گیری جامعه می‌شود. جامعه‌ای بوروکراتیک، عقلانی، فارغ از

جدول ۲. وضعیت مرتبط با هریک از پیشبران‌ها (نگارندگان، ۱۳۹۸).

شرح حالت			حالت	عدم قطعیت	عامل
A3	A2	A1	خانوادهٔ مدرن		A
هرم افقی قدرت	افزایش قدرت در خانواده	کاهش قدرت خانواده			
خانوادهٔ هسته‌ای			B1	خانوادهٔ پست مدرن	B
شکل‌گیری انواع جدیدی از رابطه			B2		
C3	C2	C1	طلاق		C
طلاق عاطفی	طلاق اجباری	طلاق عقلانی			
پیشرفت علوم طبیعی و فیزیکی			D1	علم و دانش	D
پیشرفت در علوم انسانی			D2		
کالایی شدن علم و دانش			D3		
کاربردی شدن علم			D4		
E3	E2	E1	آزادی اندیشه		E
سلب آزادی	حفظ وضعیت موجود	آزادی بیشتر در حوزهٔ اندیشه و بیان			
تلاش برای به‌کارگیری قوانین جدید در حوزهٔ خانواده			F1	تصویب قوانین جدید	F
آسیب‌زنی قوانین به موجودیت خانواده			F2		
G2	G1		تغییر شکل خانواده		G
فروپاشی یا ضعف خانواده	حرکت به سمت وضعیت ایده‌آل و آرمانی خانواده				

تقدیرگرایی و تفکرات سنتی و قوانین مبتنی بر سنت؛ بلکه پیدایی و شکل‌گیری قوانینی مدرن و مبتنی بر عقل و اندیشه که سبب شکل‌گیری آینده‌ای ایده‌آل برای خانواده می‌شود. در چنین شرایطی افراد توانایی‌های خود را به منصفه‌ظهور و بروز می‌گذارند. جامعه این فرصت را برای افراد فراهم می‌کند که با ارادهٔ خود تصمیم بگیرند و عمل کنند. ساختار این جامعه بر خانواده به‌عنوان نهادی فراگیر در جامعه تأثیرگذار بوده و تمام جوانب و ساحت‌های خانواده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در چنین شرایطی است که طلاق با توافق طرفین و نه از روی اجبار انجام می‌شود؛ از طرف دیگر، از قوانینی که در گذشته برای جامعهٔ سنتی و ویژگی‌های آن کارکرد داشت، کارکرد زدایی می‌شود و قوانین جدید جایگزین قوانین قبلی گذشته می‌شوند. در این صورت است که می‌توان شاهد خانواده‌ای ایده‌آل و آرمانی بود که همچنان به‌عنوان یک نهاد در جامعه قدرت

جدول ۳. سناریوهای سازگار آینده خانواده (نگارندگان، ۱۳۹۸).

خانواده مدرن: افزایش قدرت خانواده	خانواده مدرن: هرم افقی قدرت خانواده	خانواده مدرن: کاهش قدرت خانواده
خانواده پست مدرن: خانواده هسته‌ای		خانواده پست مدرن: شکل‌گیری انواع بدیعی از رابطه
طلاق: طلاق عقلانی		طلاق: طلاق اجباری
علم و دانش: کاربردی شدن علم		علم و دانش: کالایی شدن علم
آزادی اندیشه: آزادی بیشتر در حوزه‌ی اندیشه و بیان		آزادی اندیشه: سلب آزادی
تصویب قوانین جدید: تلاش برای به‌کارگیری قوانین جدید در حوزه خانواده		تصویب قوانین جدید: آسیب‌زنی قوانین به موجودیت خانواده
تغییر شکل خانواده: حرکت به سمت وضعیت ایده‌آل و آرمانی خانواده		تغییر شکل خانواده: فروپاشی یا ضعف خانواده

دارد و فرو نپاشیده است؛ لذا مسئولیت برنامه‌ریزان تدبیر سیاست‌ها و استراتژی‌هایی در راستای سناریوی مورد نظر است. خوشبینانه‌ترین سناریوی به دست آمده سناریوی شماره یک است و خانواده ایرانی در افقی ۲۰ ساله مطلوب است که به سمت این سناریو حرکت کند. بدترین سناریوی ممکن، سناریوی شماره چهارم است که وضعیت بدبینانه‌ای را نسبت به آینده خانواده به تصویر می‌کشد؛ به عبارتی، در بدترین شرایط پایه‌های خانواده از هم فرو می‌پاشد و از آن پس دیگر خانواده برخلاف گذشته در جامعه قدرتی ندارد. از سوی دیگر، روابط اجتماعی در جامعه به گونه‌ای سامان یافته که افراد با محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها در حوزه‌های متعدد روبه‌رو هستند. به منظور تحقق سناریوی مطلوب در جامعه باید بستری در سطح کلان و هم‌چنین خرد برای آزادی انتخاب افراد فراهم گردد؛ به عبارتی، دولت به جامعه مدنی اجازه فعالیت بیشتر بدهد تا سازمان‌ها و گروه‌ها شکل گرفته و روابط اجتماعی گسترش یابد، چنین روابطی به شناخت بیشتر زنان و مردان از یکدیگر یاری می‌رساند و رهایی از قوانین سرسخت جامعه سنتی برای ازدواج و برپایی خانواده را در پی دارد؛ لذا خانواده هسته‌ای با فراهم

آمدن این آزادی شکل می‌گیرد و مجلس با ایجاد قوانینی که ایده‌آل جامعه مدرن است به افراد قدرت انتخاب، تصمیم‌گیری و عاملیت می‌بخشد و آنان را از انفعال در جامعه سنتی می‌رهاند. نهادهای جامعه‌پذیری دیگر نظیر آموزش و پرورش نیز باید در راستای آموزش افراد با توجه به کاربردی شدن علم، انتخاب درست، آزادی، فردیت و استقلال در ازدواج را به افراد بیاموزد. نهادهای تربیتی می‌توانند بسترهای اجتماعی و فرهنگی را برای گرایش به آزادی اندیشه و بیان برای افراد فراهم نمایند. در راستای تحقق جامعه مدنی نیز سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند در این زمینه یاری‌رسان باشند و با فشار بر ساختارهای کلان جامعه محدودیت‌های ایجاد شده از طرف آنها بر روی افراد را برداشته و تعامل بین قوای قانون‌گذاری و مردم را برای تصویب قوانین جدید فراهم آورند. قانون‌گذاران با اتخاذ قوانین در جهت ارتباط سالم‌تر و آزادی بیشتر می‌توانند نقش مؤثری را ایفا کنند و اولویت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت پایدار ماندن جایگاه و نقش خانواده و حفظ قدرت آن در نظر گیرند. از طرف دیگر، سازمان‌های تأمین اجتماعی و مرتبط با تأمین رفاه افراد باید نیازهای اولیه افراد را به طور کامل رفع نموده و در جهت ارتقاء نیازها از نیازهای زیستی به نیازهای متعالی مانند «اندیشه» برآیند. به عبارت روشن‌تر، حمایت مالی و عاطفی خانواده از طرف سازمان‌های دولتی و خصوصی می‌تواند به خانواده کمک کند تا پایه‌ها و بنیان‌های خود را حفظ کرده و به سستی گرایش پیدا نکند. اهمیت حمایت عاطفی چنان است که موختن مهربانی و حمایت عاطفی اعضای خانواده از یکدیگر بنیان‌های احساسی و عاطفی خانواده را مستحکم نگه داشته و در مجموع به خانواده قدرت می‌دهد.

۹. بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد اجتماعی از آغاز زندگی افراد است که هنجارها، ارزش‌ها و به طور عام فرهنگ را به آنان انتقال می‌دهد. طی سال‌های اخیر ارزش‌های خانواده و اساساً خانواده ایرانی دچار تغییرات عظیمی شده است. صاحب‌نظران تغییرات اجتماعی، غالباً علت این تغییرات را پدیده مدرنیزاسیون می‌دانند. پدیده‌ای که طی دهه‌های اخیر گسترش بی‌وقفه‌ای پیدا کرده است. تحقیق حاضر به دنبال آن است که پیشران‌های کلیدی ارزش‌های خانواده طی ۲۰ سال آینده در ایران را شناسایی کرده به تدوین سناریوهای آینده ارزش‌های خانواده در ایران بپردازد. در این راستا و به منظور شناسایی پیشران‌ها در مرحله نخست تحقیق به ۱۷ نفر از خبرگان حوزه علوم اجتماعی پرسش‌نامه ساخت‌یافته داده شد. مبنای طراحی پروتکل مصاحبه استفاده از مرور ادبیات، تکنیک پستل و فن پرسشی 5wh1 بود. به منظور تحلیل مصاحبه‌ها از تحلیل

تم استفاده شده است. در فاز دوم تحقیق بعد از شناسایی پیشران‌ها پنل ۱۰ نفره‌ای از خبرگان تشکیل گردید که در آن پنل خبرگان به ارزیابی میزان تأثیرگذاری هر یک از پیشران‌ها بر یکدیگر پرداختند. در این مرحله، خبرگان از نمره ۰ تا ۳ که نشانگر بدون تأثیر تا تأثیر بسیار قوی می‌باشد، روابط فی‌مابین متغیرها را تعیین کردند.

در مرحله سوم، متغیرهای دووجهی به‌عنوان ورودی‌های نرم‌افزار سناریوویزارد مطرح می‌شوند. در این مرحله، خبرگان از نمره ۳- تا ۳+ براساس شدت و جهت تأثیرگذاری حالات متغیرها بر یکدیگر نمره تخصیص داده‌اند. خروجی این مرحله، شناسایی سناریوهای سازگاری است که براساس آن می‌توان آینده را توصیف کرد. بر این اساس، ۴ سناریو به‌دست آمد. در مجموع، داده‌ها و نتایج حاصل از تحقیق مربوط به سال ۱۳۹۸ و افق آینده، سال ۱۴۱۸ است. سناریوهای به‌دست‌آمده و براساس مطلوب‌ترین سناریو وجود قوانین جدید و چرخش اندیشه آزاد میان گروه‌های اجتماعی روابط میان اعضای خانواده را بهبود بخشیده و به آن قدرت می‌دهد. در واقع خانواده آرمانی زمانی تحقق می‌یابد که عناصر جامعه سنتی تغییر پیدا کرده و عناصر جدیدی هم‌چون قوانین جدید جایگزین آن شوند. با تصویب قوانین جدید نوع و شکل روابط تحت تأثیر قانون جدید قرار گرفته و این قوانین و هنجارها هستند که روابط افراد را تعریف می‌کنند. براساس این تعاریف روابط اجتماعی سالم‌تر و درست‌تر هدایت می‌شوند؛ اما این امکان در فضای محدودی که سناریوی نامطلوب شماره ۴ مطرح می‌کند، فراهم نیست و در این سناریو خانواده با فقدان آزادی و فروپاشی روبه‌روست. در فضای محدود، افراد فردیت و استقلال خود را از دست داده و دچار انزوا می‌شوند و برقراری رابطه برای آن‌ها دشوار می‌گردد. برقراری روابط درست و برخوردار از سلامت اجتماعی کیفیت زندگی را در یک خانواده تضمین می‌کند و این امر هرچه بیشتر در خانواده هسته‌ای خود را نشان می‌دهد که به‌همراه آزادی، نقش‌های برابر را برخلاف آنچه پیش‌تر وجود داشته می‌تواند تحقق ببخشد.

عسگری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان «آینده‌پژوهی سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی به روش مدل‌سازی» یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر آینده‌پژوهی سرمایه فرهنگی خانواده را تعاملات اجتماعی و دانش می‌دانند، آنچه که در مطالعه حاضر به آن توجه شد و سناریوی آینده پیش‌روی برنامه‌ریزان را می‌سازد دانشی است که در جامعه به‌کار برده می‌شود و توسعه انسانی را به‌همراه می‌آورد. در واقع سحر و جادوی جامعه سنتی جای خود را به دانش کاربردی و پیوند میان دانش و جامعه داده است. به‌نظر مانهایم، ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های نسل جدید نیز تغییر می‌کنند. در واقع نسل جدید و جامعه مدرن آستن تغییراتی هستند که نمود آن را در

حوزه علم و دانش، قانون، خانواده، روابط اجتماعی و اندیشه شاهد هستیم. اینگلهارت و نظریه پردازان رویکرد نوسازی نظریاتی را مطرح می‌کنند بر این مبنا که تغییراتی در روابط اجتماعی و عناصر جامعه پدید آمده و در پی آن، نهاد خانواده را نیز دربر می‌گیرد و اهم آن مدرنیزاسیون است که نه به فروپاشی خانواده انجامیده، بلکه به آن قدرت می‌دهد تا همچنان در جهان مدرن به حیات خود ادامه دهد. قدرت گرفتن نهادهایی هم چون نهاد علم و نهاد حقوقی به نهاد خانواده قدرت ابراز تنش‌ها و پیگیری آن‌ها را از طرق عقلانی می‌دهد و آن را از سلطه نظارت‌های غیررسمی و غیرعقلانی رها می‌کند. آنچه میان نظریه پردازان فوق و دیگر نظریه پردازان هم چون مرتون و گیدنز مشترک است عنصر مدرنیزاسیون و تغییر است که اشکالی هم چون طلاق عقلانی، کاربردی شدن علم، خانواده هسته‌ای، آزادی بیشتر در حوزه اندیشه و قوانین جدید نشانگر تجربه تغییرات عظیمی است که خانواده نیز از سر می‌گذراند تا به شکل ایده‌آل و آرمانی خود دست یابد.

درواقع شکل مطلوب خانواده در سناریوی مطلوب آینده آن، خانواده هسته‌ای است که ثمره جامعه مدرن است که به نظر می‌رسد مطلوب‌ترین برنامه‌ریزی در حوزه خانواده است تا در دستور کار سیاست‌گذاران این حوزه قرار گیرد. این جامعه مدرن از خلال مدرنیزاسیونی ایجاد می‌شود که نظریه پردازان به ویژه در رویکرد نوسازی به آن اشاره کرده‌اند. جامعه مدرن به معنای ایجاد تغییر در تکنولوژی، دانش و ارزش‌ها، افکار و باورها. تغییرات از آنجا که عقلانی و قابل پیش‌بینی است از میزان ناآرامی، تنش و پریشانی میان افراد نیز کاسته می‌شود، افراد دچار تعارض در روابط اجتماعی‌شان نشده و تحت شرایط استرس‌زا جهت طلاق اجباری قرار نمی‌گیرند و طلاق به مفهوم عقلانی آن صورت می‌گیرد، چرا که مدرنیته و عقلانیت همراهان یکدیگر هستند و این عقلانیت در سراسر جامعه جاری است و پیامدهای منفی طلاق عقلانی از طلاق اجباری کمتر است. گیدنز نیز هم چون نظریه پردازان رویکرد نوسازی بر تغییرات اشاره کرده و جامعه مدرن را آبهستن دگرگونی‌هایی می‌داند. دگرگونی‌هایی که با خود قوانین جدید و آزادی اندیشه و علم و دانش کاربردی را به همراه دارد. نظریه پردازان دیگری هم چون بیورن برگ نیز به الگو یا نمونه‌ای از تغییرات پیش‌آمده بر اثر تغییراتی چون مدرنیزاسیون اشاره می‌کند که تغییر ارزش‌ها را در بُعد جمعیت‌شناختی نشان می‌دهد. غلبه ارزش‌های مدرن، نوع روابط، چگونگی رابطه و تصمیم‌گیری در مورد آن و رفتار در برابر الزامات رابطه را تغییر می‌دهد. چنان‌که هرچه به سمت نشانه‌های مدرنیته می‌رویم با تجارب زیسته جدیدی از سوی افراد روبه‌رو می‌شویم که رابطه خود و ارزش‌های حاکم بر آن را هرچه بیشتر اقتضای زمان خود می‌دانند. مدرنیته به افراد جامعه قدرت تغییر سبک

زندگی‌شان را می‌دهد. این قدرت چنان است که در جای جای خیابان و شهر جریان دارد. نشانه‌های این مدرنیته آزادی برای انسان، علم و دانش و قوانینی است که روابط وی را در حوزه‌های متعددی هم‌چون حوزه خانواده پوشش می‌دهد. مدرنیته به تمامی حوزه‌ها وارد می‌شود و خانواده اولین حوزه روابط فرد است که به شدت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مدرنیته خانواده را از شکل و شمایل سنتی مانند دارا بودن نقش‌های سنتی مبتنی بر تمایز جنسیتی خارج می‌کند و وجدان افراد را نیز نسبت به گذشته آسوده‌تر می‌گرداند؛ لذا فرد کمی آزادتر گشته و در انتخاب و تصمیم‌گیری اش آزادانه‌تر عمل می‌کند. در چنین حالتی وی هرچه بیشتر به قوه عقل خود متکی است و کمتر براساس عرف جامعه سنتی تصمیم می‌گیرد تا جایی که ممکن است برخی تابوها را بشکند؛ لذا در مطلوب‌ترین سناریو ارزش‌های حاکم به سمت خانواده‌ای حرکت می‌کند که هسته‌ای است و افراد در آن توانایی اندیشیدن دارند، آزادی و قدرت انتخاب دارند و می‌توانند تصمیم بگیرند، استقلال رأی و نظر دارند و در چارچوب‌های سنتی گرفتار نیستند و فرد در جهت فروپاشی چنین خانواده‌ای که به او آزادی می‌دهد، بر نمی‌آید؛ بلکه این خانواده همچنان قدرت خود را در عین استقلال تک‌تک اعضا حفظ می‌کند.

۱۰. پیشنهادهای

- تبدیل کردن مشکلات خانواده به مسأله به جهت سیاست‌گذاری و وضع قوانین.
- انجام پژوهش‌هایی بومی در حوزه خانواده جهت برنامه‌ریزی برای چگونگی عملکرد خانواده و ارائه راهبردها جهت افزایش قدرت آن.
- احیاء جایگاه اصیل خانواده با وضع قوانین حمایتی از جمله: رفاه، تأمین اجتماعی، تأمین سالمندان، سرپرستان خانوار و...
- پذیرش آرمان‌های مدرنیته در عین تطبیق آن با ارزش‌های جامعه سنتی و لذا از بین بردن تناقض‌ها به کمک نهادهایی چون رسانه‌های جمعی و به‌کارگیری گروه‌های مرجع.
- افزایش قدرت فرد در خانواده و پذیرش هرچه بیشتر وی جهت اعتماد به خانواده و ترک نکردن آن به کمک سیاست‌های جمعیتی و رفاهی.
- افزایش ابعاد سرمایه فرهنگی در خانواده‌ها به کمک تحصیلات رایگان و... تا افراد بتوانند فضای اندیشه و آزادی بیان در حوزه‌های آکادمیک را تجربه کنند.
- افزایش پتانسیل‌های جامعه مدنی به واسطه کاهش دخالت دولت در امور اجتماعی و فرهنگی.
- کاهش نقش‌های دخالت‌محور دولت، از سوی دیگر افزایش نقش‌های حمایتی دولت از خانواده‌ها.

- ایجاد فرصت برای تحرک طبقاتی جهت حرکت به سمت سبک زندگی مدرن.
- ایجاد سازمان‌هایی مکمل و مشابه سازمان بهزیستی برای جلوگیری از فروپاشی خانواده‌های سست بنیاد.
- ایجاد بیمه‌ها و تسهیلات مرتبط با خانواده.

پی‌نوشت

1. Geoffrey
2. Reyes
3. Astrachan
4. Knoblauch
5. Bjorn Berg
6. Alex Inkeles
7. Hughes
8. Zhao

کتابنامه

- آزادارمکی، تقی؛ و ظهیری‌نیا، مصطفی، (۲۰۱۱). «بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده». خانواده‌پژوهی، شماره ۶ (۲۳)، صص: ۲۹۷-۲۷۹.
- افشارکهن، جواد؛ و رضائیان، محمود، (۱۳۹۷)، «مقایسه بین نسلی رابطه نظام ارزشی افراد و نگرش به پایداری خانواده». جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۵، شماره ۱۲، صص: ۳۲۶-۲۹۳.
- خضرنژاد، عمر، (۱۳۸۹). «بررسی ارزش‌های سنتی - مدرن در حوزه خانواده در شهر بوکان (سال ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، مرکز پیام نور تهران.
- دارابی، مسعود؛ و کلاشلو، حسن، (۱۳۹۵). «بررسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام و مکانیسم تأثیرگذاری آن بر ارزش‌های خانواده (مورد مطالعه: جوانان شهر تهران)». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۵، شماره ۳۳، صص: ۴۲-۱.
- رایینگتن، ارل؛ و واینبرگ، مارتین، (۱۳۸۹). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی. ترجمه رحمت‌الله صدیق‌سروستانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضاییان قیه‌باشی، احد؛ و مرزبان، احسان، (۱۳۹۸). «شناسایی پیشران‌ها، عدم قطعیت‌ها و سناریوهای آینده محیط‌زیست ایران». مجله سلامت و محیط‌زیست، دوره ۱۲، شماره ۴، صص: ۵۳۱-۵۵۴.
- روستایی، لیلیا، (۱۳۹۰). «بررسی ارزش‌های خانوادگی و تغییرات آن در ایران (۱۳۸۵-۱۳۷۹)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور استان تهران.

- سرایی، حسن؛ و او جاقلو، سجاد، (۱۳۹۲). «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران مطالعه موردی: زنان شهر زنجان». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۴، صص: ۱۹-۴۲.
- عسگری، پیمان؛ عزیزآبادی فراهانی، فاطمه؛ نوابخش، مهرداد؛ و صالحی امیری، سیدرضا، (۱۳۹۷). «آینده پژوهی سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی به روش مدل سازی». فصلنامه آینده پژوهی مدیریت، دوره ۲۹، شماره ۱۱۲، صص: ۱۱۸-۱۰۳.
- علی اکبری، سعیده؛ و صبوری خسروشاهی، حبیب، (۱۳۹۷). «مقایسه بین ارزش‌های والدین و فرزندان (مورد مطالعه: کلیه خانواده‌های دارای فرزند ۳۰-۱۵ سال ساکن شهر تهران)». مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال ۱۵، شماره ۵۶، صص: ۹۷-۱۳۳.
- کنوبلاخ، هربرت، (۱۳۹۰). مبانی جامعه‌شناسی معرفت. ترجمه کرامت‌اله راسخ، نشر نی: تهران.
- مدیری، فاطمه؛ و مهدوی، محمدصادق، (۱۳۹۴). «ارزش‌های پست مدرن خانوادگی در تهران». خانواده‌پژوهی، سال ۱۱، شماره ۴۳، صص: ۲۹۶-۲۸۱.
- مدیری، فاطمه، (۱۳۹۷). «گونه‌های مختلف ارزش‌های خانوادگی و همبسته‌های اقتصادی اجتماعی آن در شهر تهران». جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۹، شماره ۱، صص: ۱۶۶-۱۴۷.
- مولایی، احمدرضا؛ صنایعی، علی؛ و انصاری، آذرنوش، (۱۳۹۷). «شناسایی و سنجش پیشران‌های کلیدی مؤثر در تعیین حس مکان مقاصد گردشگری مطالعه موردی: شهر اصفهان». مجله برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، سال ۷، شماره ۲۶، صص: ۶۷-۵۲.
- موسوی، میرنجف؛ جلالیان، اسحاق؛ و کهکی، فاطمه سادات، (۱۳۹۶). «تدوین سناریوهای عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری استان آذربایجان غربی با استفاده از سناریوویزارد». گردشگری شهری، دوره ۴، شماره ۳، صص: ۴۹-۶۲.
- موسوی زاده، مینا، (۱۳۹۴). «استراتژی‌های شهروندان تهرانی در مواجهه با ارزش‌های سنتی خانواده». پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ورزی کناری، امین؛ حیدرآبادی، ابوالقاسم؛ و پهلوان، منوچهر، (۱۳۹۸). «نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران». مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۱، شماره ۳، صص: ۷۸-۶۵.
- هاشمی نژاد، سهراب؛ عیوضی، محمدرحیم؛ حاجیانی، ابراهیم؛ و گلجانی امیرخیز، ایرج، (۱۳۹۷). «سناریوهای آینده خانواده در ایران». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره ۱۳، شماره ۸۱، صص: ۸۲-۴۷.

- عظیمی هاشمی، مزگان؛ اعظم کاری، فائزه؛ بیگناه، معصومه؛ و رضامنش، فاطمه، (۱۳۹۴). «ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای کنش جوانان در خصوص همسرگزینی و روابط پیش از ازدواج». راهبرد فرهنگ، شماره ۲۹، صص: ۲۱۲-۱۷۹.

- Andres de los reyes christine ohannessian sarah racz, (2018), "Discrepancies Between Adolescent and Parent Reports About Family Relationships". *Child Development Perspectives*, Vol. 13, Issue 1, Pp: 53-58.

- Ben Geoffrey, Madras Christian College, India, (2019). "Toward a Christian Definition of Marriage: A Historical, Sociological, and Theological Approach". *Journal of Sociology and Christianity*, Vol 9, No 1.

- Poletti-Hughes, J. & Williams, J., (2019). "The effect of family control on value and risk-taking in Mexico: A socioemotional wealth approach". *International Review of Financial Analysis*, No. 36, Pp: 369-381.

- Kai, Z.; Mian Z. & Sharon F., (2017). "Testing two mechanisms linking work to family conflict to individual consequences: do gender and gender role orientation make a difference?". *The international Journal of human resource management*, Vol. 30, Issue 6, Pp: 988-1009.

- Greenhaus, J. & Parasuraman, S., (1999). "Research on work, family, and gender: current status and future directios". In: G. N. Powell (Ed), *Handbook of gender and work* (Pp: 391-412), Sage Publication, Inc.

- Kathleen, E. H. & Timothy A. O., (2019). "Conventional and cutting – Edge: definitions of family in LGBT communities". *Sexuality Research and social policy*, Vol. 16, No. 1, Pp: 1-13.

- Astrachan, J.; Astrachan, B. C.; Campopino, G. & Bau, M., (2020), "Values, Spirituality and Religion: Family Business and the Roots of Sustainable Ethical Behavior". *Journal of Business Ethics*, Vol. 163, No. 2, Pp: 637-645.